



شیوه تصحیح نسخه خطی قرآن اوقاف

محمد علی خسروی*

ای آفتاب آینه دار جمال تو
صحن سرای دیده بشستم ولی چه سود
مطبوع تو ز نقش تو صورت نبست باز
در اوج ناز و نعمتی ای پادشاه حسن
مشک سیاه مجمره گردان خال تو
کاین گوشه نیست در خور خیل خیال تو
طغرانویس ابروی مشکین مثال تو
یسارب مباد تا به قیامت زوال تو

هر ساله میلیون‌ها نسخه قرآن کریم در قطع‌های مختلف توسط چاپخانه بزرگ قرآن کریم وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه و سایر مراکز نشر دولتی و بخش خصوصی در ایران چاپ و منتشر می‌شود. کتابت این قرآن‌ها توسط خوشنویسان مختلف صورت گرفته است، ولی قرآن‌های با خط عثمان طه بیشترین سهم یا حداقل سهم عمده‌ای را در این میان به خود اختصاص داده است. به طوری که در دهه اخیر بیش از ۹۰ درصد از قاریان و حافظان جوان، تنها از قرآن عثمان طه استفاده کرده‌اند. گرچه کتابت عثمان طه از ویژگی‌هایی مانند ختم هر صفحه به آیه و شروع صفحه بعد با آیه دیگر و نیز یکنواختی و یکدستی در نگارش کلمات و حروف برخوردار است، اما حلاوت و زیبایی خط نسخ ایرانی برای ایرانیان چیز دیگری است. این یک نگرانی جدی است که به تدریج نسل جدید با قرآن‌های خط ایرانی بیگانه شود. چنانکه امروز در محافل قرآنی بعضاً مشاهده می‌کنیم برخی قاریان در تلاوت آیات با قرآن‌های خط ایرانی دچار مشکل و اشتباه می‌شوند.

مسئولان امور قرآنی نباید این موضوع را دست کم بگیرند. البته قرآن کریم نه با خط نسخ ایرانی نازل شده و نه با خط نسخ ترکی و عربی. و هیچ یک قداست ذاتی ندارند. ولی خط ایرانی اولاً نشانگر هویت ملی ماست که میزان عشق و تعلق خاطر گذشتگان این مرز و بوم را به ساحت مقدس قرآن کریم آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که چه گونه اجداد ما یک عمر جوهره وجود خود را با ابزار دوات و قلم به صورت حروف و کلمات قرآنی بر صفحات کاغذ متبلور ساخته‌اند، و هویت و هنر خویش را با ماندگاری آیات الهی ماندگار کرده‌اند. و ثانیاً خط ایرانی یکی از زیباترین خطوط است. دلربایی و جلال و جمالی که خط ایرانی دارد و حس و حالی که به هنگام مشاهده نسخ زیبای ایرانی به بیننده دست می‌دهد هرگز در نگارش‌های رایانه‌ای و شبه‌رایانه‌ای مانند خط عثمان طه وجود ندارد. این نکات ما را بر آن داشت تا در جهت چاپ و نشر قرآن کریم به خط خوشنویسان ایرانی اقدام کنیم. بدین منظور در سال ۱۳۷۸ به گنجینه قرآن‌های خطی کاخ گلستان مراجعه کردیم و در جلسه‌ای که با حضور حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای نظام‌زاده نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه و جناب آقای مهندس بهشتی ریاست وقت سازمان میراث فرهنگی و تنی چند از کارشناسان دو سازمان تشکیل شد از بین دهها نسخه خطی نسخه‌ای را که به خط مرحوم محمدعلی تبریزی کتابت شده بود برای چاپ و انتشار برگزیدیم.

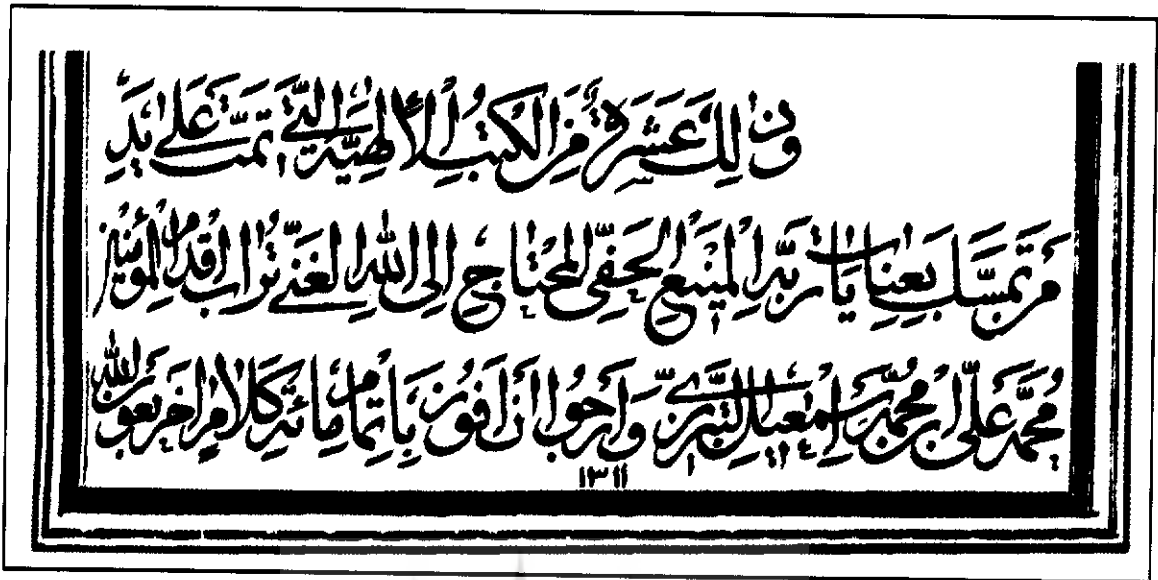
علت انتخاب این نسخه خطی برای چاپ، چند ویژگی بود که به آنها اشاره می‌کنم:

- اولین ویژگی، قدمت نسبی آن است. زیرا این قرآن در سال ۱۳۱۱ هجری قمری یعنی ۱۱۵ سال قبل در تبریز تحریر شده است.
- ویژگی دوم، تجربه کاتب این قرآن است. زیرا کاتب آن، خوشنویس برجسته ایرانی محمدعلی بن محمد اسماعیل تبریزی، قبل از کتابت این قرآن، ۹ قرآن دیگر را به طور کامل کتابت کرده است. و مسلماً کسی که ۹ بار نسخه‌ای را نوشته باشد در دهمین بار پخته‌تر، زیاتر و کم‌نقص‌تر می‌نویسد. خود وی در پایان این نسخه نوشته است: «و ذلك عشرة من الكتب الالهية التي تمت علي يد من تمسك بعنايات ربه المنيع الحفي المحتاج الي الله الغني تراب اقدام المؤمنین محمدعلی بن محمد اسماعیل التبریزی». یعنی این دهمین قرآنی است که به دست این بنده متمسک به عنایات پروردگار و محتاج به خداوند بی‌نیاز محمدعلی بن محمد اسماعیل تبریزی پایان پذیرفت. (تصویر ۱)

ناگفته نماند که کاتب در ادامه نوشته است: «و ارجو أن افوز باتمام مائة كلام آخر بعون الله» و اظهار امیدواری کرده که یک صد نسخه دیگر از کلام الله را به طور کامل بنویسد. نکته قابل ذکر در واژه «آخر»، این است که وی خواسته است علاوه بر ده نسخه قبلی یک صد نسخه دیگر بنویسد، که جمعاً یک صد و ده نسخه معادل حروف نام مبارک «علی = ۱۱۰» شود. این موضوع میزان علاقه مندی و محبت زاید الوصف کاتب را به مقام ولایت امیرالمؤمنین (ع) و اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان ثقل کبیر در کنار قرآن کریم که ثقل اکبر است می‌رساند.

البته با کمال تأسف ما هیچ نشانی از ۹ قرآن قبلی که قطعاً کتابت کرده و قرآن‌های بعدی که احتمالاً نوشته است در دست نداریم.

- ویژگی سوم، خط فوق‌العاده زیبای این نسخه است که علاوه بر رعایت اصول خوشنویسی دارای ملاحظاتی و زیبایی خاصی است. توضیح مطلب این است که یک استاد و خوشنویس ممتاز ممکن است مکتوبی را با رعایت همه اصول خطاطی پدید آورد، اما آن جلوه و جاذبه لازم را نداشته باشد. درستی و موزونی چیزی است و جاذبه و زیبایی چیزی دیگر. رمز این معنی در نوع نگاه کاتب به خط، ترکیب حروف، قرینه‌سازی‌ها و جایگاه متفاوت یک حرف در ترکیب‌های مختلف نهفته است. در همین جا بگویم اینکه یکنواختی و یکسانی کلمات را در خط عثمان طه یکی از امتیازات او برشمرده‌اند، به نظر اینجانب نه تنها حسن نیست بلکه ضد آن یعنی متفاوت بودن شکل حروف در ترکیب‌های مختلف، اگر به جا صورت گرفته باشد، بسی نیکوتر و زیباتر و ممتازتر است. به عنوان



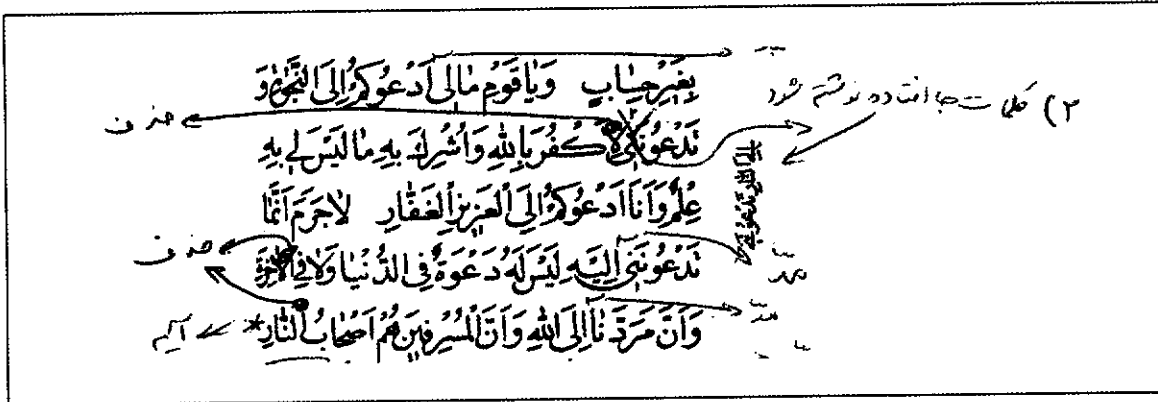
تصویر ۱

مثال حروفی مانند «ن»، «ق» و «ک» به دو شکل یا بیشتر قابل نگارش است که متناسب با کلمه‌ای که در آن قرار گرفته و نیز کلمات مجاور و حتی سطرهای قبل و بعد می‌تواند تغییر کند، و کاتب با توجه به فضای حروف و کلمات هم‌جوار شکل خاصی را انتخاب نماید. مثلاً یک حرف را در آیه‌ای به شکلی و در آیه دیگر به شکل دیگر بنویسد. و این کار را مرحوم محمدعلی بن محمد اسماعیل در نهایت هنرمندی انجام داده است.

● چهارمین ویژگی این نسخه قرآنی نوع تذهیب آن است. اصولاً تذهیب یک امر فرعی و یک زیبایی کمکی است. و اگر حجم تذهیب و شدت رنگ‌های آن به قدری زیاد باشد که کلمات و حروف در میان آن گم شود، کاری ناصواب و نازیباست. چرا که هدف اصلی، حروف و کلماتند نه آرایه‌های جانبی. در این نسخه قرآنی به کمترین تذهیب با نهایت زیبایی اکتفا شده است. در هر صفحه، غیر از جدول پیرامون آیات، تنها یک ترنج وجود دارد. در داخل ترنج صفحه راست شماره جزء آمده و در ترنج صفحه چپ نام سوره درج شده است. سرسوره‌ها و نشانه‌های جزء، نصف و سجده هم در ترنج‌ها و تذهیب‌های زیبا و ساده طراحی شده است.

● ویژگی پنجم، اندازه و قطع این قرآن است که در قطع رقعی، خوش‌دست و به راحتی قابل حمل و نقل است. این ویژگی‌ها دلیل انتخاب نسخه مورد نظر جهت چاپ بود. زیرا هدف ما صرفاً چاپ یک قرآن نفیس خطی برای استفاده در کتابخانه و دکور منازل نبود. بلکه هدف انتشار قرآن به منظور قرائت آیات آن بود و خوشبختانه قطع مناسب، نوع نگارش، زیبایی خط و خلوتی تذهیب در این نسخه خطی دست به دست هم داده هدف ما را تأمین می‌کرد.

پس از توافق با سازمان میراث فرهنگی، نسخه مذکور در تاریخ ۷۸/۵/۱۱ با رعایت اصول حفاظتی تحویل شرکت مگاپس شد. ظرف یک ماه و نیم از تمام صفحات آن عکس‌برداری دقیق به عمل آمد و در تاریخ ۷۸/۷/۳ اصل نسخه به موزه برگردانده شد. اما پس از یک مرور اجمالی متوجه شدیم افتادگی‌هایی دارد و در چندین صفحه تعدادی از کلمات و آیات در حاشیه نوشته شده است. زیرا پس از اتمام کتابت برای اطمینان بیشتر، آن را با قرآن‌های دیگر مقابله کرده‌اند و کلمات جاافتاده را در حاشیه و یا در لابه‌لای سطرها افزوده‌اند، و به احتمال قریب به یقین توسط همان کاتب اصلی انجام گرفته است.



تصویر ۲ - نمونه ای از جافتادگی‌ها

متأسفانه تعداد این افتادگی‌ها کم نبود. از یک حرف گرفته تا یک کلمه و دو کلمه و گاهی حتی یک سطر و دو سطر جافتاده بود و اکثر آنها به علت تکرار و تشابه کلمات و خطای چشم کاتب پیش آمده است. به عنوان مثال در آیه ۱۱۶ سوره نحل جمله «ان الذین یفترون علی الله الکذب» از آیه «لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون» جافتاده بود. علتش این بوده که کلمه «علی الله الکذب» در این آیه دو بار آمده است. کاتب پس از نوشتن اوکی چشمش به دومی افتاده و ادامه آن را نوشته است. همچنین در تکرار کلمه «تدعوننی» در آیه ۴۱ سوره مؤمن و تکرار کلمه «حتی اذا بلغ» در آیات ۸۹ و ۹۲ سوره کهف عیناً همین ماجرا تکرار شده است (تصویر ۲). در سوره اخیر حدود دو سطر جافتاده که با خط ریزتر در حاشیه افزوده شده است.

ما در اینجا خود را با مشکلی بزرگ مواجه دیدیم. زیرا چاپ قرآن به آن شکل به هیچ وجه صحیح نبود و از طرفی اصلاح آن بسیار مشکل و چه بسا غیر مقدور بود، خصوصاً با توجه به نوع خط و ویژگی‌های آن. برخی دوستان انصراف از چاپ را پیشنهاد کردند ولی با عنایت الهی تصمیم به اصلاح و چاپ آن گرفتیم. البته اهل فن می‌دانند که این کار چقدر دقت و حوصله لازم دارد. ما گاهی برای جایگزین کردن یک کلمه، چهار یا پنج ساعت وقت صرف می‌کردیم و اصلاح دو کلمه یک روز کاری وقت می‌برد. زیرا می‌بایست به وسیله رایانه فضای لازم را برای جایگزینی باز می‌کردیم، بدین منظور از چند سطر قبل باید یک میل یک میل و یا کمتر از آن فضاها را خالی را پر کنیم، و این کار باید به گونه‌ای انجام می‌شد که به سبک چینش کلمات لطمه وارد نشود تا به تدریج پس از چند سطر به اندازه یک سانتی متر جا باز شود. و اگر یک سطر جافتاده بود ناچار بودیم از سه یا چهار صفحه قبل این کار را شروع کنیم تا به تدریج جا برای یک سطر باز شود، و تغییرات جزئی در طول چهار صفحه به هیچ وجه محسوس نباشد. در مرحله دوم نوبت به ساختن کلمات می‌رسید، باید ابتدا کلمات جافتاده را که با خط ریز در حاشیه نوشته شده بود به کمک رایانه از نو می‌ساختیم و این کار را با استفاده از خط همان کاتب انجام می‌دادیم. اگر عین همان کلمه در سایر آیات و سوره‌ها موجود بود کپی کرده و جایگزین می‌کردیم. ولی اگر نبود مجبور بودیم کلمات مشابه را پیدا کنیم و از ترکیب حروف آنها کلمه جدید را با رعایت قواعد خوشنویسی بسازیم. زیرا مثلاً شکل «ش» در ترکیب با حرف «م» به گونه‌ای است و در ترکیب با «ح» به گونه دیگر. و لذا به منظور اینکه هم اصول خوشنویسی را در ترکیب حروف و کرسی چینی کلمات رعایت کنیم و هم با انجام کمترین دخل و تصرف در این نسخه خطی به حد ضرورت اکتفا کرده باشیم، از دوست هنرمند و عزیزم آقای سیدکمال میرخلف که نسبت به انواع خطوط و قواعد آنها آشنایی کامل دارند دعوت کردم که در اجرای اصلاحات همکاری و نظارت نمایند. ایشان هم وقت زیادی را صرف نمود تا آیات جافتاده مطابق خوشنویسی همان کاتب و با حروف همان نسخه از حاشیه به متن برگردد. (تصویر ۳) این مرحله از اصلاحات هشت ماه به طول انجامید و نسخه‌ای از آن جهت اظهار نظر به سازمان دارالقرآن ارائه شد.

حَيْثُ شِئْتُمْ أَوْلَا تُقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَتَكُونُ نَامٍ الظَّالِمِينَ

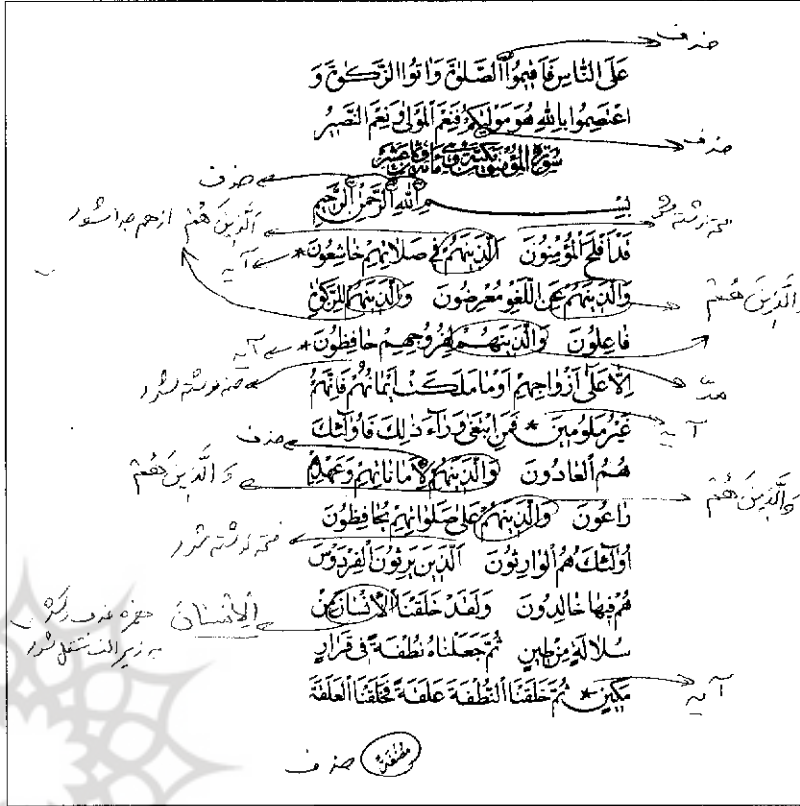
حَيْثُ شِئْتُمْ أَوْلَا تُقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةُ فَتَكُونُ نَامٍ الظَّالِمِينَ

تصویر ۴

اسلامی مسؤولیت آن به عهده مسؤولان نظام است. خصوصاً در روزگاری که دشمنان انقلاب اسلامی مترصد فرصت برای بهانه جویی و دستاویز قرار دادن یک مسأله جزئی جهت زیر سؤال بردن تشیع و انقلاب اسلامی هستند ضرورت این نظارت محسوس تر است. بحمدالله سازمان دارالقرآن از بدو تأسیس تاکنون خدمات ارزشمندی به لحاظ نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم در ایران کرده است. گرچه ممکن است برخی انتقادهای بر شیوه کار آن سازمان وارد باشد، اما در مجموع تلاش های مخلصانه و مجدانه کارشناسان و مسؤولان دارالقرآن بسیار مهم و حیاتی است. به هر حال دارالقرآن، پس از چهار ماه، نسخه ارائه شده را بررسی و تصحیح نمود. با کمال تعجب شنیدیم که در هر صفحه پانزده الی بیست مورد علامت زده شده و در کل قرآن بیش از ده هزار مورد را به عنوان غلط، دستور حذف و اضافه داده اند. ابتدا بسیار نگران شدم اما پس از مشاهده دیدم حدود ۹۸ درصد از موارد مذکور غلط نیست و نیاز به اصلاح ندارد و ناشی از برداشتهای سلیقه ای است. در تماسی که با دارالقرآن گرفتم معلوم شد که مصححان محترم، قرآن عثمان طه را مبنای کار قرار داده و هر چه را که با رسم الخط آن قرآن متفاوت بوده غلط تلقی کرده اند. ضمن آنکه تعداد بیشماری از موارد مذهای جایز را که در این نسخه خطی علامت مدّ نداشته دستور داده اند که علامت مدّ گذاشته شود. این پیشنهادها را نپذیرفتم. در جلسه ای با حضور کارشناسان رسم الخط قرآنی در دارالقرآن روی تک تک موارد بحث کردیم. نظر ما این بود که رسم الخط این قرآن، ایرانی است و ویژگی های خود را دارد و نباید با رسم الخط قرآن عثمان طه مقایسه و مطابقت شود. گذشته از اینکه بسیاری از اشکالات سلیقه ای است، بودن یا نبودن آنها هیچ ضرری به صحت قرآن نمی زند. مثلاً حتی گذاشتن علامت مدّ لازم واجب نیست چه رسد به علامت مدّ جایز.

ولی نظر کارشناسان دارالقرآن این بود که چون هدف از انتشار این قرآن استفاده عموم است باید این اصلاحات که کمک به سهولت و صحت قرائت می کند اعمال شود. این استدلال گرچه در جای خود منطقی و صحیح است ولی در مورد نسخ خطی که دارای حساسیت ویژه ای است ناتمام است. اعمال سلیقه در تصحیح نسخه های خطی نارواست مگر در حدّ ضرورت، همراه با توضیحات مصحح. البته در مورد قرآن قضیه اندکی متفاوت است. و لذا در بین دو محذور قرار داشتیم یا باید به خاطر امانت داری و حفظ اصالت نسخه خطی، قرآن را بدون علائم تجویدی و با برخی نواقص و اشکالات فنی منتشر می کردیم و یا حساسیت های نسخه خطی را فدای مصالح کلام الله مجید می کردیم. در نهایت دومی را برگزیدیم با این شرط که کمترین اصلاحات را انجام دهیم. به هر حال توافق به عمل آمد و تشخیص موارد اصلاح یا عدم آن نیز به عهده حقیر واگذار شد. اینجانب یک دوره کامل تمام اشکال هایی را که در صفحات قرآن علامت زده شده بود مرور کردم و مواردی را که اصلاح آنها لازم بود مشخص نموده جهت اجرا تحویل بخش رایانه دادم.

قرار نگرفته و باید مثلاً فتحه کمی به راست یا کمی به چپ برود و نقطه باء دقیقاً زیر خودش قرار بگیرد. ما با توافق قبلی و حسن نظر جناب استاد حاج شریف که همکاری صمیمانه‌ای داشتند، این موارد را اصلاح نکردیم (تصویر ۷). و به نظر این جانب این گونه اصلاحات و تغییرات چنان لطمه‌ای بر خط وارد می‌کند که هویت آن از دست می‌رود. زیرا حداقل سی درصد شیوایی و دلپذیری و چشم‌نوازی خوشنویسی به نحوه اعراب‌گذاری و نقطه‌گذاری‌های آن بستگی دارد. حروف به منزله اسکلت ساختمان کلام، و اعراب و نقطه نمای آن ساختمان است. و به تعبیر دیگر حروف اجزای ثابت و ساکن‌اند و این نقطه و اعراب و حرکات است که حروف را در چشم بیننده به رقص و حرکت وامی‌دارد. اقتضای خط نسخ ایرانی این است که کاتب بتواند با اندکی جابه‌جایی جای اصلی اعراب و نقطه را در میان حروف پیدا کند و آنها را در جای خود بنشانند. اگر این مقدار آزادی عمل را از خوشنویس بگیرند دیگر چیزی از خوشنویسی نمی‌ماند. و لذا در این نسخه قرآن کریم این گونه تغییرات را انجام ندادیم، جز چند مورد انگشت شمار که در قرائت اشکال جدی وارد می‌کرد و ممکن بود به گونه‌ای دیگر قرائت شود، که اصلاح شد و بقیه به همان شکل باقی ماند.



تصویر ۵- نمونه‌ای از اصلاحاتی که اعمال شد.



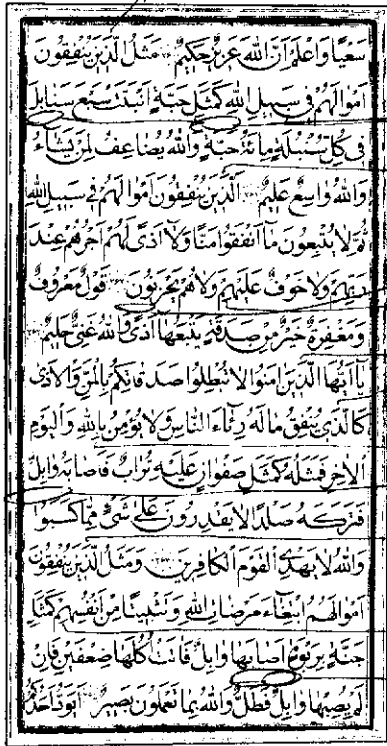
تصویر ۶

۳. تداخل حروف و کلمات. کاتب در بسیاری از موارد بخش آخر یک کلمه را با بخش اول کلمه بعدی بر روی هم سوار کرده و ترکیب بدیعی را آفریده است. مانند: فی ای صورة ماشاء ركبک و نمونه‌های دیگر (تصویر ۸). این تداخل‌ها به همان صورت باقی ماند. البته چند مورد از تداخل حروف را مانند: «سماوات» علی کل» تغییر دادیم (تصویر ۹). کاتب در هفت مورد کلمه علی را با سرکش کاف کل ترکیب کرده بود (مانده / ۴۰ و ۱۱۷، انعام / ۱۰۲، انفال / ۴۱، نحل / ۷۷، سبأ / ۴۷، تحریم / ۸). این ترکیب علاوه بر زیبایی نکته ظریفی در بر دارد، زیرا معنی برتری و استعلا در کلمه «علی» نهفته است. و چه بسا کاتب با این ترکیب خواسته است معنی تفوق و استعلا را به صورت عینی و ظاهری به بیننده القا کند.

۴. شیوه نگارش برخی کلمات که به هاء ضمیر یا تاء تأنیت ختم می‌شوند مانند: هذه، بالمغفرة، وحده، و بالاخرة (تصویر ۱۰)، که این موارد هم به همان شکل باقی ماند.

اینها مجموعه مواردی بود که ظرف پنج سال و در شش نوبت مقابله کامل و غلط‌گیری توسط کارشناسان سازمان دارالقرآن به ما اعلام شده بود. ناگفته نماند که مصححان دارالقرآن به خاطر شیوه خط و تداخل اعراب‌ها در تصحیح این نسخه زحمات زیادی را متحمل شدند. و اگر حوصله و دقت آن عزیزان نبود مسلماً این قرآن قابل انتشار نبود. اما ضمن قدردانی از زحمات طاقت‌فرسای آنان

باید متذکر شد که در صورت استفاده از کارشناسان مجرب و آشنا به فنون خوشنویسی و قرائت، هم در زمان و هزینه صرفه جویی می‌شد و هم ما و مصححان آن مرکز زحمات کمتری را متحمل می‌شدیم.



علامت کتب سطلون

نوعه آیه‌ها و تکرار آن بود

فهرست روزها را کرد

علامت کتب سطلون

گروه زیر هر گروه بود

فهرست روزها را کرد

گروه زیر هر گروه بود

علامت کتب سطلون

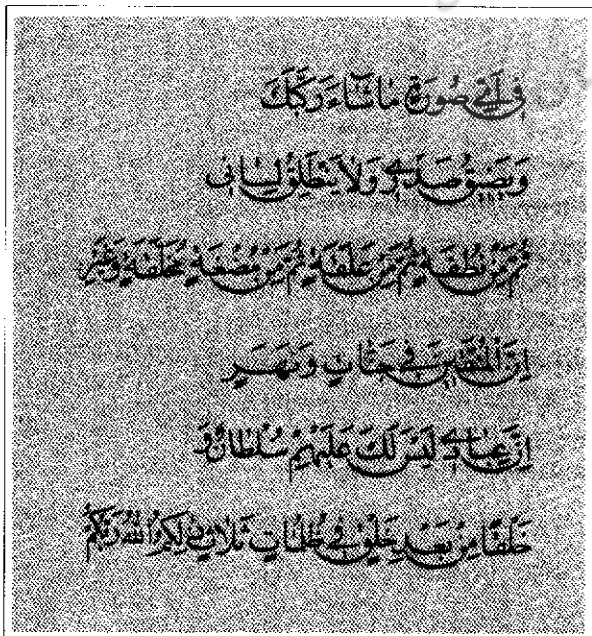
فهرست روزها را کرد

گروه زیر هر گروه بود

علامت کتب سطلون

فهرست روزها را کرد

تصویر ۷- نمونه‌ای از اصلاحاتی که اعمال نشد.



تصویر ۸- نمونه‌هایی از تداخل حروف که در نسخه چاپی حفظ شد.

چاپ این قرآن از نظر ابعاد و اندازه هیچ تغییری نکرده است. و به اصطلاح یک، یک است. یعنی دقیقاً همان است که بوده، تعداد سطرها هم همان است. در نسخه اصلی هر صفحه ۱۵ سطر دارد، در نسخه چاپی هم همین طور. بعضی از ناشران برای اینکه صفحه را به آیه ختم کنند در برخی قرآن‌ها سطرها را کوچک و بزرگ می‌کنند و با این کار به خوشنویسی و کتابت قرآن لطمه می‌زنند. ما جز در مواردی که آیه‌ای جا افتاده بود و ناچار بودیم برای گنج‌نایدن آن در متن، کلمه یا سطر را جابه‌جا کنیم هیچ گونه تغییری در صفحه و سطر ندادیم. سعی کردیم شبیه همان نسخه اصلی باشد. حتی طرح روی جلد هم همان روی جلد نسخه اصلی است. ناگفته نماند حدود چند ماه قبل این قرآن با طرح جدید و زیبایی که یکی از هنرمندان برای روی جلد طراحی کرده بود آماده چاپ بود. ولی کار را متوقف کردم و اصرار داشتم که حتی المقدور از طرح روی جلد نسخه اصلی استفاده شود. نظر طراح این بود که طرح جلد اصلی قابل استفاده نیست. شخصاً به موزه گلستان مراجعه کردم و دیدم اتفاقاً جلد اصلی با زمینه سبز یشمی و برگ‌های زرین، زیبا و قابل استفاده است.

البته یکی دو قسمت جزئی فرسوده و تیره شده بود که با کمک رایانه قابل بازسازی بود. مجدداً از رو و پشت جلد عکس برداری شد و خوشبختانه همان طرح عیناً با افزودن عنوان قرآن کریم برای جلد انتخاب و آماده شد. البته عطف جلد نسخه اصلی، چرم ساده و بدون طراحی بود. طراح با استفاده از طرح روی جلد طرح عطف را هم تهیه و مونتاژ کرد. بنابراین طرحی که هم اکنون به شکل کاور چاپ شده و قرآن را در پوشش خود قرار داده است، همان طرح جلد اصلی است که فقط عبارت «قرآن کریم» بر آن اضافه شده است.

اما درباره شماره آیات و صفحات گفتنی است که در نسخه اصلی صفحات شماره نداشت، شماره آیات هم وجود نداشت (تصویر ۱۱). کاتب به جای شماره صفحات برای اینکه ترتیب صفحات به هم نخورد، اولین کلمه صفحه مقابل را در حاشیه پایین صفحه قبل تکرار کرده بود. این شیوه ارتباط بین اوراق در قدیم مرسوم بوده است. ما کلمات اضافی را حذف کردیم و صفحات را شماره گذاری نموده و شماره هر صفحه را در ذیل آن درج کردیم. در مورد شماره آیات هم کاتب در فواصل آیه‌ها به جای شماره از نوعی

إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مَرَدُّهُمْ فِيهَا مَسْئُورُونَ ﴿۴۵﴾

أَفِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا

هَذِهِ الْكَيْفُوتِ الدُّنْيَا

عَلَى سَفَرٍ قَعِيَّةٍ مِنْ آتَابِمْ أَخْرَوْ عَلَى الَّذِينَ يُطِيعُونَهُ

تصویر ۱۰ - نمونه هایی از هنر خوشنویسی.

یکنواخت شود. ولی به نظر ما اشکال وارد نبود. زیرا برخی سوره ها اسامی متعدد دارند. این اسامی اولاً غلط نیستند و ثانیاً از قدیم الایام در برخی قرآن ها نوشته می شده است. بنابراین تغییر آنها لزومی ندارد. و لذا این اسامی به همان صورت باقی ماند. البته چون اصل این قرآن فهرست نداشت، برای کمک به قاریان محترم و سهولت دستیابی به سوره مورد نظر در فهرستی که در آخر قرآن تنظیم کردم در کنار نام این سوره ها نام معروف تر سوره را هم داخل پرانتز نوشتم مانند: الاسراء (بنی اسرائیل)، الغافر (المؤمن)، فصلت (السجده)، الدهر (الانسان).

البته نباید چنین برداشت شود که تا صد سال پیش نام سوره مؤمن، غافر بوده است یا به سوره اسراء سوره بنی اسرائیل می گفتند و حالا اسراء می گویند. این گونه نیست. بلکه از عصر نزول قرآن و از صدر اسلام برخی سوره ها را با نام های متعدد می نامیدند. به تدریج برخی نام ها مشهور تر شده است، اما نام دیگر هم همچنان معتبر بوده و به کار رفته است. مثلاً سوره هفتاد و ششم قرآن به نام های «دهر» و «انسان» نامیده می شود. و هر دو نام از آیه اول این سوره: ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٍ مِنَ الدَّهْرِ﴾ گرفته شده است.

مکی یا مدنی بودن سوره ها هم از ابتدا مورد اختلاف بوده است و این اختلاف در سوره هایی رخ می دهد که بخشی از آیات آن در مکه و بخشی در مدینه نازل شده باشد. در این صورت عده ای آن را مکی و عده ای مدنی نامیده اند. و هر کدام برای خود توجیحات و دلایلی دارند. اتفاقاً در این نسخه خطی هم مواردی وجود داشت که سوره ای را مکی نامیده بود در حالی که در قرآن های دیگر مدنی نوشته شده بود. نظر سازمان دارالقرآن این بود که باید همه موارد اصلاح شود و در سوره هایی هم که هیچ اشاره ای به مکی یا مدنی بودن نشده است باید مطابق قرآن های دیگر نوشته شود. تصمیم گیری برای اصلاح این قسمت طبق توافق قبلی به عهده اینجانب بود. از این رو همه موارد اختلاف را بررسی کردم و به این نتیجه رسیدم که هیچ تغییری در سرسوره ها از این بابت ضرورت ندارد. زیرا: اولاً، مشخص کردن مکی یا مدنی بودن در ابتدای هر سوره واجب نیست. در مواردی که کاتب نوشته بود ما هم نیفزودیم. گرچه برای یکنواختی با سایر سوره ها بهتر بود که نوشته می شد. ولی سعی ما بر این بود که تا جایی که می شود در نسخه خطی دست نبریم. ثانیاً، موارد اختلاف را به استناد سایر قرآن های چاپ شده و تفاسیر قرآن بررسی کردم. همه آن موارد قابل توجیه بود. به عنوان مثال به سه مورد اشاره می کنیم:

۱. کاتب این نسخه در ابتدای سوره بینه نوشته است: «مکیه».

کارشناس دارالقرآن نظر داده است: «مکان نزول سوره از مکی به مدنی عوض شود.»

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می فرماید: این سوره هم با نزول در مکه می سازد و هم با نزول در مدینه.

۲. دارالقرآن در مورد سوره الرحمن نوشته بود «مدنی بودن سوره قید شود» من در مراجعه به سایر قرآن ها دیدم: استاد میرخانی در سوره

الرحمن نوشته است: مکیه. استاد طاهر خوشنویس نوشته است: «مکیه او مدنیه.» مرحوم علامه در المیزان می فرماید: «مکیه او مدنیه.»

۳. کاتب نسخه سوره صف را مکی نوشته است. نظر دارالقرآن این است که به مدنی تغییر یابد. مرحوم علامه شبر در تفسیرش

نوشته است: مکیه او مدنیه و هر دو را جایز دانسته است.

با این توضیح دیگر الزامی برای تغییر مکی به مدنی و بالعکس ندیدم و همه موارد به همان صورتی که کاتب نوشته بود باقی ماند.

در خاتمه لازم می دانم از سرکار خانم ثقة الاسلامی مدیر محترم موزه گلستان و آقای علانینی کارشناس محترم آن موزه که در

وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَتَّقُوا خَيْرًا لَا تَقْبَلُونَ
 بُونَ شَيْخَ نَقَبٍ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ انْفِرُوا
 اللَّهُ قَرَضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَكَرُّهُ وَيُغْفَرُ لَكَرِّهِ وَاللَّهُ
 شَكُورٌ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ عَالِمُ الْغَيْبَاتِ لَشَهَادَاتِهِ وَاللَّهُ زَبَّاحِكُمْ ﴿١٢﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِقُوهُنَّ بِعَدَّتِ
 وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمُ الَّذِي تَخْرُجُونَ مِنْ
 بُيُوتِهِنَّ وَلَا تَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ حُكْمٌ مِنْ رَبِّهِ
 وَتِلْكَ جُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُبَدِّلْ جُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ
 ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهُ يُبَدِّلَ بَعْدَ ذَلِكَ
 أَمْرًا ﴿١٣﴾ فَإِذَا بَلَغَ الْأَجَلُ مَا نَسَبُوا مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ
 فَارْتَقُوا مِنْ بَعْدِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتُكْفَىٰ عَنْكُمْ
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْتَقُوا مِنْ بَعْدِهِمْ
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَالْيَوْمَ الْآخِرُ وَمَنْ تَوَلَّىٰ اللَّهُ جَمِيعًا

بِرِزْقِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ مَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
 فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ
 شَيْءٍ قَدْرًا ﴿١٤﴾ وَاللَّائِي بَيْنَ يَدَيْهِ الْحَيْضُ مِنْ نِسَائِكُمْ
 إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُرْنَ
 أُولَئِكَ لَا خَالِ لَهُنَّ أَجَلٌ وَأَنْ يَضَعْنَ جَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَوَلَّى
 يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِ نِسْوَةٍ ﴿١٥﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ
 وَمَنْ يَتَوَلَّى اللَّهَ بِكَيْفٍ عَنَّا سَتَبِطَ بِنِسْوَةِ الْأَجْرَاءِ
 أَسْكُونُ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ رُجْدِكُمْ وَلَا تَلْبَسُوا ذُرِّيَّةَ
 لَيْسَتُمْ عَلَيْهِنَّ وَأَرْكَبْنَ وَأَرْكَبْنَ أُولَئِكَ حَمِيلٌ فَأَنْفِقُوا
 عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ جَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْتَقُوا مِنْ
 أَجُورِهِنَّ وَأَقْرَبُوا بَيْنَكُمْ بِعَهْدِكُمْ وَمِنْ أَقْرَبِكُمْ
 فَسَرِّحْنَهُنَّ مِنْ بَيْتِكُمْ لِيُتَمَّ الْفَيْدُ وَسَعَادَةٌ مِنْ رَبِّهِ
 مَنْ قَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَلْيَنْفِقْ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ لَا تَكْفُلُ
 اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَانًا لَهَا سَجَّعَ اللَّهُ بَعْدَ عَهْدِهِمْ
 وَكَانَ مِنْ قَرَابَةٍ عَنَّا عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰهَا وَرَسُولَهُ خَاسِرًا

۶۰۰

۹۳۷۸ / ۹۳۷۸

کتابخانه و موزه سیدالشهدا

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تصویر ۱۱- تصویری از نسخه اصلی قبل از انجام اصلاحات.

موارد مختلف عکس برداری و چاپ قرآن همکاری داشتند و نیز از آقای علی الماسی که در اجرا و پیگیری امور نهایت تلاش را کردند و آقای بابا محمدی مدیر محترم چاپخانه اسوه به خاطر همکاری هایشان صمیمانه تشکر و سپاسگزاری کنم.

۱. اگر در بیت چهارم از ابیات لسان الغیب جناب حافظ، «پادشاه حسن» را «قرآن کریم» گرفتی، مصرع «یارب مباد تا به قیامت زوال» را اشارتی به آیه کریمه «انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون» بدان، و «طغرانیس ابروی مشکین مثال» را خوشنویسان و کاتبان کلام الهی. در این صورت «صحن سرای دیده بشستم» کنایه از طهارت و شستشوی باطن برای حضور در محضر او خواهد بود، که «انه لقرآن کریم لا یمسه الا المطهرون» (نگارنده)